

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۰/۰۵

فصلنامه علمی عرفان اسلامی

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۲/۱۴

دوره ۲۱- شماره ۸۱- پاییز ۱۴۰۳- صص: ۳۲۵-۳۴۲

مقاله پژوهشی

تعامل با اهل کتاب در سوره‌های زهراوین با توجه به وحدت ادیان از منظر تفاسیر عرفانی

زهرا آقابابایی^۱

حسین مرادی زنجانی^۲

محمدحسین صائینی^۳

فرهاد ادیسی^۴

چکیده

مسئله تعامل با اهلکتاب در قرآن کریم، خصوصاً سوره‌های زهراوین که بیشتر از سایر سوره‌های قرآن به این مسئله نظر دارد، با توجه به وحدت ادیان که بیانگر این مهم است که دین برگزیده خداوند از آدم تا خاتم(ص) یکی بوده است مورد توجه مفسران و پژوهشگران، خصوصاً مفسران عرفانی بوده است. پژوهش حاضر سعی دارد با گردآوری اطلاعات و داده‌های دست اول نظرات مفسران عرفانی بر پایه روش توصیفی و تحلیلی، در رابطه با تعامل اهل کتاب در سوره‌های زهراوین، با توجه به وحدت ادیان از منظر تفاسیر عرفانی بپردازد. این پژوهش در پایان با پردازش و تحلیل آیات مربوط به تعامل با اهل کتاب در این سوره‌ها و تفاسیر عرفانی، نشان خواهد داد که اولاً، دین نزد خداوند، یکی بوده و همه رسولان الهی برای اجرای همان دین واحد مبعوث شده‌اند. ثانیاً، با توجه به وحدت ادیان، عرفا در تفاسیر خود به تعامل با اهلکتاب و عدم تفرقه اتفاق نظر دارند. ثالثاً، آنچه خداوند از مسلمانان و اهل کتاب می‌خواهد، تعامل و همزیستی مسالمت‌آمیز، در سایه ایمان به خدای واحد، تمام رسولان الهی و کتب آسمانی، و نفی هرگونه شرک و تفرقه است. کلیدواژه‌ها: اهل کتاب، زهراوین، وحدت ادیان، تفاسیر عرفانی.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

۱- دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث، واحد زنجان، دانشگاه آزاد اسلامی، زنجان، ایران.

۲- استادیار گروه علوم قرآن و حدیث، واحد زنجان، دانشگاه آزاد اسلامی، زنجان، ایران. نویسنده مسئول:

hmoradiz@yahoo.com

۳- استادیار گروه علوم قرآن و حدیث، واحد زنجان، دانشگاه آزاد اسلامی، زنجان، ایران.

۴- دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث، واحد زنجان، دانشگاه آزاد اسلامی، زنجان، ایران.

پیشگفتار

۱ - بیان مسأله

در سوره های زهراوین از اهل کتاب، و نحوه تعامل با آنان بسیار سخن رفته است. خداوند متعال در رابطه با تعامل با اهل کتاب در آیه ۶۴ آل عمران می فرماید: بگو: « قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَىٰ كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَلَا نُشْرِكَ بِهِ شَيْئًا وَلَا يَتَّخِذَ بَعْضُنَا بَعْضًا أَرْبَابًا مِنْ دُونِ اللَّهِ..» (آل عمران: ۶۴)؛ « اهل کتاب! بیایید به سوی سخنی که میان ما و شما یکسان است، که جز خدای یگانه را نپرستیم و چیزی را همتای او قرار ندهیم، و بعضی از ما، بعض دیگر را غیر از خدای یگانه به خدایی نپذیرد». خداوند در این آیه از تمامی اهل کتاب اتحاد و همبستگی در سایه ایمان به خدای واحد، و نفی هر گونه شرک و تفرقه را میخواهد. از طرفی، در هر کجای قرآن از دین سخن رفته، لفظ مفرد «دین» استفاده شده، و هیچ جا با کلمه جمع «ادیان» به کار نرفته است. خود این موضوع، این مطلب را روشن میکند که ریشه و اساس تمامی ادیان الهی یکی و واحد است. یعنی همه آنها در حقیقت یک دین است. خداوند متعال در سوره آل عمران، آن دین واحد را اسلام معرفی می کند: «إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ» (آل عمران: ۱۹). بنابراین داشتن دین واحد، این مطلب را می رساند که باید پیروان دین واحد نیز با یکدیگر تعامل و همبستگی داشته باشند. از طرفی در قرآن در آیاتی خداوند از مومنان میخواهد که به تمامی انبیاء الهی و کتب آسمانی ایمان بیاورند و فرقی در بین آنان نگذارند. اما از آنجاکه اهل کتاب در برابر دستورات این دین واحد، عملکرد متفاوتی دارند، بنابراین نحوه تعامل با آنان نیز متفاوت خواهد بود.

با توجه به آیات قرآن، به سه گروه از اهل کتاب، با عملکرد متفاوت می توان برخورد کرد. گروه اول، گروهی مومن و نیکوکار از اهل کتاب هستند که با این گروه از اهل کتاب، طبق دستور قرآن، باید تعامل و زندگی مسالمت آمیز داشت. گروه دوم فاسقان معاند از اهل کتاب هستند که، اکثریت را تشکیل می دهند. این گروه انواع کارشکنیها، ظلم و ستم و فساد را پرونده ننگین خود دارند. آنان علاوه بر اینکه به خدا و پیامبر (ص)، ایمان نیاوردند، دست به پیکار و دشمنی با مسلمانان زدند، بنابراین با این گروه از اهل کتاب به خاطر اعمال ناپسندشان خداوند عدم دوستی و تعامل با آنان را از مؤمنان می خواهد. حتی در برخی موارد، دستور جنگ و نبرد با آنان را میدهد. اما گروه سوم فاسقان غیر معاند از اهل کتاب هستند که به پیامبر خدا و کتاب آسمانی ایمان نیاوردند، بر دین خودشان اصرار دارند، و به دستورات دین خودشان عمل می کنند، اما این گروه در عین حال که فاسق هستند،

اما معاند نیستند. یعنی کاری با مومنان ندارند و علیه آنان اقدامی نمی‌کنند، و بر ضد مؤمنان پیکار نمی‌کنند و سد راه اسلام و مسلمین نیز نمی‌شوند. خداوند به مسلمانان دستور داده با این گروه از اهلکتاب، تعامل و همزیستی داشته‌باشند، به شرطی که آنان علیه اسلام و مسلمین اقدامی نکنند، و نیز جزیه را به‌عنوان سرانه به حاکم اسلامی بپردازند تا در پناه اسلام و مسلمین باشند.

هدف از این تحقیق، بررسی تعامل با اهلکتاب در سوره‌های زهراوین، با توجه به وحدت ادیان از منظر تفاسیر عرفانی می‌باشد. این تحقیق در پی پاسخ دادن به این سوال است که: تعامل با اهلکتاب در سوره‌های زهراوین، با توجه به وحدت ادیان، در تفاسیر عرفانی چگونه بیان شده‌است؟

مسئله تعامل مسلمانان با اهلکتاب و وحدت ادیان، قدمت زیادی دارد. حتی پیامبر(ص) نیز در زمان خودشان به این مسئله نظر داشتند. تألیفاتی در باب تعامل با اهلکتاب و اوصاف آنان انجام شده‌است. اما تحقیق حاضر به‌نوبه خود، جدید بوده، و تاکنون درباره تعامل با اهلکتاب، با توجه به وحدت ادیان، از منظر تفاسیر عرفانی، کار خاصی انجام نشده‌است.

این تحقیق با روش توصیفی و تحلیلی، با استفاده از تفاسیر عرفانی و کتب علوم قرآنی، به موضوع مورد بحث پرداخته‌است. با توجه به اینکه یکی از رویکردهای تفسیری مورد توجه مسلمانان در طول تاریخ، رویکرد عرفانی در فهم قرآن بوده‌است، و نیز بخش مهمی از متون عرفانی را تفاسیر عرفانی آیات و روایات و داستان‌های قرآنی تشکیل داده‌است و از آنجاکه عرفان اسلامی به‌عنوان بخشی از دایره‌المعارف و معارف دینی از آثار و مآثورات دینی می‌باشد، محقق بر آن است تا در این پژوهش، نظرات عرفا را درباره موضوع از لابه‌لای متون تفسیری آنان استخراج، و توصیف و تحلیل نماید. همچنین باید یادآور شد که منظور محقق از تفاسیر عرفانی در عنوان این پژوهش، تفاسیر منسوب به متصوفه است. بایدگفت با توجه به اینکه در زمینه تفسیر عرفانی قرآن آثار زیادی وجود دارد، این تحقیق، ضمن توجه به پراکندگی متون در قرون مختلف، ترتیب تاریخی، کامل بودن، و شهرت آن‌ها پرداخته‌است که عبارتند از: تفسیر تستری تألیف ابو محمد سهل بن عبدالله تستری در قرن سوم، تفسیر حقایقالتفسیر تألیف ابو عبدالرحمن سلمی در قرن چهارم، تفسیر لطائف‌الاشارات تألیف قشیری در قرن پنجم، تفسیر کشفالاسرار و عده‌الابرار میبیدی در قرن ششم، و تفسیر ابن عربی (تأویلات عبدالرزاق)، اثر شیخ محمدبن علی بن ابن عربی در قرن ششم، تفسیر عرائسالبیان فی حقائقالقرآن، تألیف روزبهان ابی نصر بقلی در قرن هفتم، تفسیر غرائبالقرآن و رغائبالفرقان تألیف نظام الدین حسن بن محمد نیشابوری در قرن هشتم، تفسیر الفواتحلاللهیه و المفاتحالغیبیه تألیف نعمت الله بن محمود نخجوانی در نهم، تفسیر ملاصدرا (التفسیرالکبیر و تفسیر القرآنالکریم)، تألیف ملاصدرا در قرن یازدهم، تفسیر روحالبیان، تألیف بروسوی حقی در قرن دوازدهم، تفسیر منظوم صفیعلیشاه، تألیف حاج میرزا حسن اصفهانی متخلص به صفی و ملقب به صفیعلی در اواخر قرن چهاردهم، و تفسیر

بیانالسعادة فی مقاماتالعباده گنابادی در قرن چهاردهم، و تفسیر انوار درخشان سیدمحمدحسین حسینی در قرن پانزدهم می باشد.

۲ - پیشینه تحقیق

در باب پیشینه پژوهش باید گفت، تاکنون تحقیقی که به بررسی موضوع تعامل با اهلکتاب در سوره های زهراوین، با توجه به وحدت ادیان در تفاسیر عرفانی، به صورت مستقل پرداخته باشد، صورت نگرفته است. اما پژوهش های ارزشمندی در ارتباط با این موضوع انجام پذیرفته است که به نمونه هایی اشاره می شود:

مقاله های با عنوان «وحدت ادیان با رویکرد عرفانی در مثنوی مولوی»، اثر معصومه صادقی (۱۳۹۵) انجام پذیرفته است.

مقاله حسین سیاح، با عنوان «اسلام و وحدت ادیان» در سال (۱۳۹۱) به بررسی موضوع پرداخته است.

همچنین مقاله های با عنوان «در آمدی بر تاریخ ادیان در قرآن» که اثر عبدالرحیم گواهی (۱۳۷۹)، به بررسی تاریخ ادیان از دیدگاه قرآن کریم می پردازد.

مقاله های دیگر با عنوان «تعامل با اهلکتاب از منظر قرآن و سنت»، نرجس خادمی (۱۳۸۸) به بررسی تعامل با اهلکتاب از منظر قرآن و سنت می پردازد.

همان طور که بیان شد تحقیقات درباره موضوع حاضر هرکدام به یکی از ابعاد موضوع می پردازد. اما موضوع مورد تحقیق به صورت مستقل، بی پیشینه و بدون سابقه می باشد.

۳ - مفهوم شناسی

اهلکتاب: اهل یعنی خانواده و فامیل های نزدیک و جمع آن هم اهلکتاب و اهل می باشد (مصطفوی، ۱۲۹۷ق، ج ۱: ۱۸۴؛ ابن سیده، ۱۴۲۱ق، ج ۴: ۳۴۵). اهل کتاب یعنی کسانی که به آنان کتاب آسمانی از جانب خداوند نازل شده، و باید از آن اطاعت، و به دستورات آن عمل کنند (۱۲۹۷، ۲۹، ج ۱: ۱۸۶). اصطلاح اهل کتاب، ۳۱ بار در ۳۱ آیه ۹ به کاررفته که در سوره بقره و آل عمران بیشتر از سایر سوره به کاررفته است. و از تعبیرهای دیگری نیز استفاده شده است که از جمله: «الذین اتواالکتاب»، «الذین اتیناهمالکتاب»، «الذین اتوا نصیبا منالکتاب» و «یهود و نصاری». مطابق بیان قرآن، یهودیان و مسیحیان صاحبان کتاب بوده و به این خاطر، آنان باید از مفاد کتاب اطاعت کنند تا لیاقت و شایستگی محافظت از آن را داشته باشند (اولیف، ۱۳۹۰، ج ۱: ۴۴۰).

زهراوین: دو سوره بقره و آل عمران را سوره های زهراوین نام نهاده اند. پیامبر اکرم (ص) فرمودند: تعلموا سوره «البقره» و سوره «آل عمران» فإنهما الزهراوان: «تعلموا» یعنی «یادگیری» و «زهراوان» به معنای «دو نور» است. پیامبر (ص) در ادامه فرمود: این دو سوره در قیامت مانند دو پاره ابر، دو پرده (بزرگ)، یا دو دسته از پرندگان، بر سر کسی که این سوره ها را بداند، سایه می اندازند. زهراوان تثنیه

زهراء به معنای درخشان و پرفروغ است. این دو سوره به خاطر داشتن موقعیت ممتاز در بین سوره‌های قرآن و دربرداشتن معارف و مطالب درخشان و نورانی و تأثیرگذار و اشتغال بر احکام فراوان شرعی که روشنگر راه بندگان است به این نام نامیده شده‌اند.

وحدت ادیان: تعریف دین در علم کلام کاری آسان است. ولی همین تعریف در علم ادیان، به سبب تنوع بسیار زیاد دین های جهان، کاری دشوار است. و این امر موجب شده است که بیش از هشتاد تعریف برای دین ارائه شود، که هیچ کدام را نمی توان جامع و کامل دانست. مثلاً تعریف دین به اعتقاد به وجود خدا، و عمل به مقتضای این اعتقاد، جامع نیست و شامل آیین اصلی بودا نمی شود. برخی گفته اند: دین به معنی اعتقاد به یک امر قدسی است. برخی آن را ایمان به موجودات روحانی دانسته اند. گروهی هم گفته اند: دین عبارت است از ایمان به یک یا چند نیروی فوق بشری که شایسته اطاعت و عبادت هستند (توفیقی، ۱۳۸۷: ۳). در قرآن کریم به طور صریح از وحدت ادیان سخن آمده است. چنانچه میفرماید: «إِنَّا لِلَّهِ إِسْلَامٌ» (آل عمران: ۱۸). یعنی دین الهی و قانون آسمانی در زمانهای گذشته و آینده، و تمام دوران ها اسلام (تسلیم)، و دین واحدی بوده است. این آیه به صراحت یکی بودن دین را اعلام میدارد. خصوصاً کلمه دین در این آیه و دیگر آیات قرآن، همیشه به صورت مفرد آمده است. هرگز در قرآن، دین به صورت جمع، یعنی ادیان به کار نرفته است. چنانچه در مورد حضرت ابراهیم، در آیه های دیگر میفرماید: « ابراهیم نه یهودی بود، نه نصرانی. بلکه او بر آیین توحید، و یک فرد مسلمان (و تسلیم خدا) بود و هرگز از مشرکان نبوده است» (آل عمران: ۶۷).

تفاسیر عرفانی: عرفان در اصطلاح عبارت است از: معرفت قلبی که از طریق کشف و شهود، نه بحث و استدلال حاصل می شود. و آن را علم « وجدانی» هم میخوانند و کسی را که دارای مقام عرفان باشد، عارف میگویند و دانشی را که مبتنی بر عرفان است را «علم معرفت» میخوانند. تفسیر عرفانی، یعنی: اهل عرفان برای درک حقایق، از جمله قرآن، روش بحث و استدلال را کنار گذاشته، به روش دریافت های باطنی و ذوقی روی می آورند، و آیات قرآن کریم را تفسیر و تأویل میکنند. و تلاشی برای اثبات نظرات خود، لازم نمیدانند و فقط آن را به دریافت های ذوقی خود مستند میکنند.

۴ - آیات ناظر بر وحدت ادیان

آیاتی در قرآن وجود دارد که به مسئله وحدت ادیان، و وحدت انبیاء مربوط میشوند. مانند آیه ۲۱۳ سوره بقره که میفرماید: «كَانَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً فَبَعَثَ اللَّهُ النَّبِيِّينَ مُبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ وَأَنْزَلَ مَعَهُمُ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ لِيُحْكُمَ بَيْنَ النَّاسِ فِي مَا اختلفوا فيه وَمَا اختلف فيه إِلَّا الَّذِينَ أوتوه مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَتْهُمْ الْبَيِّنَاتُ بَغْيًا بَيْنَهُمْ فَهَدَى اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا لِمَا اختلفوا فيه مِنَ الْحَقِّ بِإِذْنِهِ...» (بقره، ۲۱۳). «مردم (در آغاز) یک دسته بودند؛ (و تضادی در میان آنها وجود نداشت. به تدریج جوامع و طبقات پدید آمد و اختلافات و تضادهایی در میان آنها پیداشد، در این حال) خداوند، پیامبران را برانگیخت؛ تا مردم را بشارت و

بیم دهند و کتاب آسمانی، که به سوی حق دعوت می‌کرد، با آن‌ها نازل نمود تا در میان مردم، در آنچه اختلاف داشتند، داوری کند. (افراد باایمان، در آن اختلاف نکردند) تنها (گروهی از) کسانی که کتاب را دریافت داشتند، و نشانه‌های روشن به آن‌ها رسیده بود، به خاطر انحراف از حق و ستمگری، در آن اختلاف کردند. خداوند، آنان را که ایمان آورده بودند، به حقیقت آنچه مورد اختلاف بود، به فرمان خودش، رهبری نمود.

آیه‌ای دیگری که وحدت ادیان، و وحدت امت را تأیید می‌کند، عبارت است از: «إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاعْبُدُونِ» (انبیاء: ۹۲)؛ «و بی تردید این (اسلام) آیین (حقیقی) شماست در حالی که آیینی یگانه است و منم پروردگار شما؛ پس مرا بپرستید».

۵ - محورهای اتحاد ادیان الهی در قرآن کریم

قرآن کریم در بسیاری از آیاتش تمامی اهلکتاب را به اتحاد و همسویی دعوت کرده است. از جمله در سوره بقره و آل عمران، در آیاتی دعوت به ایمان به همه پیامبران و کتب الهی مینماید. در جایی دیگر آنان را دعوت به اتحاد، و نفی هر گونه شرک و تفرقه میکند. و همچنین در سوره آل عمران، تنها از یک دین به نام اسلام یاد میکند و در آیه‌های دیگر از همین سوره میفرماید: هر کس غیر از اسلام، دینی را طلب کند، هرگز از او پذیرفته نیست. بنابراین دین مقدس اسلام که دین مشترک همه ادیان الهی از آدم (ع) تا خاتم (ص) می‌باشد، و همه انبیاء الهی برای اجرای احکام این دین مبعوث شده‌اند، دعوت به اتحاد و همبستگی، در سایه ایمان به خدای یگانه، و ایمان به تمامی پیامبران و کتب آسمانی و نفی هر گونه شرک و تفرقه میکند. اما با توجه به آیات قرآن در سوره‌های زهراوین، با گروه‌های متفاوتی از اهلکتاب، با اوصاف و عملکرد مختلف در برابر دستورات خداوند میتوان برخورد کرد و چون نحوه عملکرد اهل کتاب در برابر دستورات خداوند یکسان نیست، نحوه تعامل با آنان نیز متفاوت است. بنابراین، از آنجا که پیروان ادیان به پیامبران الهی، و کتب آسمانی ایمان دارند و دعوت همه انبیاء، و کتب آسمانی به توحید می‌باشد، و نیز قرآن کریم هم پیروان ادیان الهی را بر محور توحید و نفی شرک دعوت می‌کند، پس معلوم میشود. اصل در دین مقدس اسلام، اتحاد و همبستگی، و تعامل با تمامی اهلکتاب میباشد.

۱ - ۵ - آیه دعوت به اتحاد و همبستگی

خداوند متعال در قرآن کریم، تمامی اهلکتاب را به اتحاد و همبستگی، در سایه ایمان به خدای واحد، و نفی هر گونه شرک و تفرقه میکند. «قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَلَا نُشْرِكَ بِهِ شَيْئًا وَلَا يَتَّخِذَ بَعْضُنَا بَعْضًا أَرْبَابًا مِنْ دُونِ اللَّهِ...» (آل عمران: ۶۴)؛ «ای اهل کتاب! بیاید به سوی سخنی که میان ما و شما یکسان است که جز خداوند یگانه را نپرستیم و چیزی را همتای او قرار ندهیم؛ و بعضی از ما، بعضی دیگر را غیر از خدای یگانه، به خدایی نپذیرد».

کلمه در آیه فوق: گواهی است بر اینکه، غیر از خدای متعال، خدایی دیگری نیست، و اینکه محمد(ص) فرستاده خداست(بحرانی، ۱۴۱۶، ج ۱: ۶۳۹). کلمه مشترک بین ما، آن چیزی است که هیچ یک از پیامبران و کتاب‌های آسمانی در آن اختلاف ندارند. این که خدا را وحدانه بندگی کنیم، برای او، در بندگی کردن، کسی را مستحق شرکت ندانیم، و نگوئیم عزیر و مسیح فرزندان خدا هستند و راهبان را در آنچه که تحریم و تحلیل میکنند، اطاعت نکنیم(قمی مشهدی، ۱۳۶۸، ج ۳: ۱۲۴؛ فیض کاشانی، ۱۴۱۵، ج ۱: ۳۴۵). مغنیه در تفسیر خود آورده: یهود تنها به تورات، و نصاری هم به تورات و هم به انجیل ایمان دارند و مسلمانان، علاوه بر تورات و انجیل، به قرآن هم ایمان دارند. این کتب سه گانه، بر این عقیده وحدت نظر دارند که جهان دارای تدبیرکننده‌ای حکیم است. لکن نصاری در این زمینه دچار افراط شدند و برای خدا شریک قائل شدند و گفتند: او دارای فرزندی است. و نیز بزرگان دینی خود و راهبان به جای خدا پرستیدند. راهبانی که برای آنان چیزهایی را حلال و چیزهایی را حرام میکردند (مغنیه، بیتا، ج ۲: ۱۴۰).

خداوند میفرماید: ببینید به کلمه‌ای که بین همه آن‌ها مشترک است، یعنی چیزی که در آن بین پیامبران الهی، و کتاب‌های آسمانی آنان اختلافی نیست، تمسک بجویند و آن اینکه خدا را خالصانه بندگی کنند و برای او در معبودی شریکی قائل نشوند، و از این کار بیزاری بجویند، و بعضی از آن‌ها، بعضی دیگر اطاعت نکنند، و در آنچه که آنان دستور به معصیت از خداوند می‌دهند، با سجده و تعظیم، اطاعت نکنند (بیضاوی، ۱۴۱۸، ج ۲: ۲۱؛ طبری، ۱۴۱۲، ج ۳: ۲۱۳؛ مصطفوی، بیتا، ج ۳: ۱۷۷). بنابراین قرآن خواستار اتحاد و همبستگی است و تفرقه و پراکندگی از منظر قرآن مردود است.

۲ - ۵ - ایمان به پیامبران و کتب آسمانی

او، فرق خداوند از تمامی اهلکتاب می‌خواهد که به همه انبیاء الهی و کتب آسمانی ایمان بیاورند. چنانچه میفرماید خود رسول گرامی اسلام و مؤمنین، بین پیامبران الهی، و کتب آسمانی فرقی نمی‌گذارند. بلکه به همه آن‌ها ایمان دارند: «أَمَّنَ الرَّسُولُ بِمَا أُنزِلَ إِلَيْهِ مِنْ رَبِّهِ وَالْمُؤْمِنُونَ كُلٌّ آمَنَ بِاللَّهِ وَمَلَائِكَتِهِ وَكُتُبِهِ وَرُسُلِهِ لَا نُفَرِّقُ بَيْنَ أَحَدٍ مِنْ رُسُلِهِ..» (بقره: ۲۸۵)؛ «پیامبر، به آنچه از سوی پروردگارش بر او نازل شده، ایمان آورده است. همه مؤمنان (نیز)، به خدا و فرشتگان او و کتاب‌ها و فرستادگانش، ایمان آورده‌اند، (و می‌گویند): ما در میان هیچ یک از پیامبران نمی‌گذاریم..»

در آیهای دیگر خداوند خطاب به پیامبر و مؤمنان میفرماید: «قُلْ آمَنَّا بِاللَّهِ وَمَا أُنزِلَ عَلَيْنَا وَمَا أُنزِلَ عَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ وَالْأَسْبَاطِ وَمَا أُوتِيَ مُوسَىٰ وَعِيسَىٰ وَالنَّبِيُّونَ مِنْ رَبِّهِمْ لَا نُفَرِّقُ بَيْنَ أَحَدٍ مِنْهُمْ وَنَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ» (آل عمران: ۸۴)؛ «بگو: به خدا ایمان آوردیم، و (همچنین) به آنچه بر ما و بر ابراهیم و اسماعیل و اسحاق و یعقوب و اسباط نازل گردیده، و آنچه به موسی و عیسی و (دیگر) پیامبران، از طرف پروردگارشان داده شده است، ما در میان هیچ یک از

آنان فرقی نمی‌گذاریم، و در برابر (فرمان) او تسلیم هستیم». بنابراین وقتی همه پیامبران، کتب آسمانی از طرف خدای واحد برای هدایت مردم نازل شده است، تمامی اهلکتاب باید، به آنها ایمان آورده، به فرامینشان عمل کنند.

۳ - ۵ - اسلام تنها دین برگزیده

دین اسلام، تنها دین برگزیده خداوند، برای تمامی نسل‌ها، از آدم تا خاتم می‌باشد. چراکه قرآن کریم بارها سخن از دین به میان آورده، اما هیچگاه لفظ ادیان به کار نبرده. قرآن کریم که دین خدا را از آدم تا خاتم، یک دین و آیین معرفی می‌کند، یک نام روی آن می‌گذارد و آن «اسلام» است. لذا پیروان دین مقدس اسلام را مسلمین نامید: «مِلَّةَ أَبِيكُمْ إِبْرَاهِيمَ هُوَ سَمَّاكُمُ الْمُسْلِمِينَ مِنْ قَبْلُ وَفِي هَذَا...» (حج: ۷۴). بنابراین تنها دینی که خداوند بر بندگانش برگزیده است تنها دین اسلام است: «إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ وَمَا اخْتَلَفَ الَّذِينَ أَلْتُوا إِلَيْكُمُ الْأَسْئَلَةَ إِلَّا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْعِلْمُ بَعِيَا بَيْنَهُمْ...» (آل عمران: ۱۹)؛ «دین در نزد خدا، اسلام است و کسانی که کتاب آسمانی به آنان داده شد، اختلافی (در آن) ایجاد نکردند، مگر بعد از آگاهی و علم، آن هم به خاطر ظلم و ستم در میان خود».

در آیه فوق منظور از «دین» طریق به سوی آخرت، و خداوند است. «عندالله الاسلام» یعنی بعد از ظهور اسلام، طریق به سوی الله، منحصر در اسلام، و قطع ارتباط از سایر ادیان (یهود و نصاری) است، درحقیقت منحصر بودن دین اسلام، به خاطر اینکه آنان قبل از ظهور و بعثت پیامبر (ص)، به بعثت پیامبر موعود اتفاق نظر و یقین داشتند، اما هنگامی که ظهور کردند، به خاطر حسد، قدرت و ریاست طلبی، بعضی به حقیقت ایشان اقرار کردند، و بعضی منکر شدند (کتابادی، ۱۴۰۸، ج ۱: ۲۵۳). جمله «إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ» جمله مستأنفه است و تأکیدی کند که دین مورد رضایت خداوند اسلام، همان توحید، و تمسک به شریعت پیامبر (ص) است (شیر، ۱۴۰۷، ج ۱: ۳۴۰). ظاهراً مراد از اسلام، همان شریعت مقدس محمد (ص) در آیه شریفه «رَضِيتُ لَكُمْ الْإِسْلَامَ دِينًا» (مائده: ۵) باشد، و نیز ممکن است اسلام به معنی کاملی که تمام انبیاء، برای اجرای آن مبعوث شدند، از اصول عقائد و اخلاق، و فروع مثل نماز و زکات و روزه و مانند اینها که نسخ ناپذیر است، باشد (ابن ابی حاتم، ۱۴۱۹، ج ۲: ۶۱۸). همان دینی که خداوند غیر از آن دین، دین دیگری را نمی‌پذیرد: «وَمَنْ يَبْتَغِ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ وَهُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ» (آل عمران: ۸۵). با توجه به آیات دیگر قرآن کریم، منظور از این خسران در آیه، همان خسران مبین و آشکار در روز قیامت است که هم خودشان، و هم خانواده‌شان را دچار می‌کنند (جزایری، ۱۴۱۶، ج ۱، ص ۳۴۱). بنابراین تنها دینی که خداوند در تمام کتب آسمانی از آن سخن به میان آورده، و پیامبرانی را برای هدایت ملت‌ها فرستاده تا دستورات آن دین را اجرا کنند، از حضرت آدم (ع) تا پیامبر خاتم (ص)، فقط دین اسلام بوده است.

۶ - تعامل با اهلکتاب، با توجه به وحدت ادیان از منظر تفاسیر عرفانی

مفسران عرفانی نیز در تفاسیر خود، به مسئله تعامل با اهل کتاب، اتفاق نظر دارند. اکثر مفسران، اولین تفسیر عرفانی را تفسیر تستری می‌دانند که توسط ابومحمد سهل بن عبدالله تستری به زبان عربی، در قرن سوم نوشته شده است. که شامل همه آیات قرآن نیست، بلکه مؤلف برخی از آیات را پراکنده گزینش و تفسیر نموده است. تستری تنها به آیاتی پرداخته که تأویل در آن‌ها راه داشته است یا به نظر وی می‌توان آن‌ها را تأویل کرد. ابوبکر بلدی این تفسیر عرفانی کم‌حجم را جمع‌آوری کرده است. مؤلف در رابطه با مسئله وحدت ادیان، که تنها دین برگزیده خداوند را اسلام معرفی می‌کند: «إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ» (آل عمران: ۱۹)، و نیز درباره آیه ۸۵ سوره آل عمران که فرموده: «وَمَنْ يُبْتَغِ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ وَهُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ» نظری نوشته است. بعد از سهل تستری در قرن چهارم هجری، تفسیر عرفانی حقائقالتفسیر می‌باشد که یکی از قدیم‌ترین تفاسیر عرفانی قرآن به زبان عربی، تألیف ابوعبدالرحمن سلمی صوفی و مفسر سده چهارم و اوایل سده پنجم هجری است. این تفسیر از مهمترین تفاسیر اهل تأویل به‌شمار می‌رود. سلمی در این تفسیر، از گفته‌های تفسیری ابن عطا و روایات منقول از امام صادق (ع) بهره‌گرفته و در کنار آن، به اقوال مشایخ بزرگ صوفیه و اهل عرفان نیز پرداخته است. سلمی مجموعه‌ای از روایات و اقوالی را که در تفسیر عرفانی آیات قرآن، از قول امامان و اولیا و مشایخ، به‌صورت پراکنده در اینجا و آنجا آورده بودند، فراهم آورد و آرای خود را در این باره در اثنای آن‌ها ذکر کرد. این تفسیر، معروف به تفسیر امام صادق (ع) می‌باشد. سلمی در ذیل آیه ۸۵ آل عمران در رابطه با پذیرفته شدن دینی غیر از اسلام، بیان می‌دارد که این یک حکم است و کسی که همه امور خود را به مولای خود واگذار نکند، هیچ یک از اعمال خود را از او نخواهد پذیرفت (سلمی، ۲۰۰۱م: ۱۰۹). وی همچنین در ذیل آیه دعوت به اتحاد، یعنی آیه ۶۴ آل عمران، بیان می‌کند که واسطی در ذیل آیه می‌گوید: این نشانه عبودیت و بندگی در برابر پروردگار بی‌نیاز است که ابن‌عطاء معتقد است که همان توحید است. و ابوعثمان نیز گفته، خداوند در این آیه طریق بندگی را یاد میدهد، و آن اینکه در نهان خودت را به بندگی و اطاعت غیر خداوند مشغول نکن (همان، ۲۰۰۱م، ۱۰۳). بنابراین سلمی در تفسیر خود، معتقد به یک دین واحد است که آن هم اسلام است و این را یک حکم میدانند. وی همچنین در مورد آیه اتحاد، آن را طریق عبودیت می‌داند که خداوند به بندگانش آن طریق را می‌آموزد.

اما بعد از سلمی در قرن پنجم، عبدالکریم بن هوازن قشیری نیشابوری در تفسیر خود با عنوان لطائف الاشارات را تألیف نموده است که، قشیری بر خلاف اهل سنت، و منطبق بر دیدگاه شیعه، معتقد به جزئیت آیه کریمه و عظیمه «بسمله»، در همه سوره‌های قرآن، به‌جز سوره توبه می‌باشد. البته در این تفسیر روایات نامعتبر نیز وجود دارد. وی ذیل آیه فوق، دین مورد پذیرش و رضایت خداوند را اسلام معرفی کرده و منظور از اسلام را اخلاص، تسلیم بودن در برابر حق میدانند. وی غیر از اسلام، سایر ادیان را مردود میدانند که، راه نجات پیروانش را می‌بندند (قشیری، بیتا، ج ۱: ۲۲۸).

وی معتقد است که در آیه اتحاد، منظور از کلمه، همان توحید و جدا سازی حقیقت، و لا اله الا الله یعنی اینکه، نباید غیر از خدای یگانه را بندگی کنید که این همان نفی شرک است (همان، بیتا، ج ۱، ص ۲۴۸).

بعد از قشیری، رشیدالدین ابوالفضل میبیدی احمد بن ابی سعد در قرن ششم در تفسیر عرفانی، و فارسی کهن خود، با عنوان کشف الاسرار و عده الابرار که دارای حلاوت خاص و در بردارنده نکات جالب عرفانی، تاریخی و ادبی نیز می باشد، را تألیف نموده است که، این کتاب را میبیدی در اوایل سال ۵۲۰، آغاز کرده، و سرمشق او در این کار، تفسیر معروف خواجه عبدالله انصاری بوده است. کشف الاسرار از بزرگترین و حجیمترین کتب تفسیری است که بر طریقه عرفانی و مشرب صوفیانه نوشته شده است. این تفسیر در ده جلد در بهترین سبک و زیباترین عبارات ادبی مستحکم نوشته شده است.

میبیدی در ذیل آیه: «دین نزد خدا اسلام است»، دین را ملت و کیش خوانده است که نزدیکترین کیش و آیین به خداوند اسلام است. او همچنین اسلام را به پنج چیز تقسیم میکند: قرآن و حکم آن، رسول و سنت او، اجماع و علمای اهل سنت، آثار پیشینیان و قیاس سمعی. وی می گوید: این همان دین است که خداوند متعال برای مسلمین برگزیده است «رَضِيتُ لَكُمْ الْإِسْلَامَ دِينًا» (مائده: ۳). سپس بیان می کند که اسلام همان دینی است که محمد (ص) آورده است. اسلام یعنی فرمانبرداری، ولایت مداری، پاداش، شمار و عادت. اینها همه در معنای دین داخل هستند (میبیدی، ۱۳۷۱، ج ۲: ۵۴).

میبیدی در باب آیه ۶۴ آل عمران معتقد است که کلمه در این آیه، همان لا اله الا الله است که همه مردم در قبول آن یکسان هستند. وی ادامه می دهد که این آیه را خداوند در جواب جحودان نازل کرد که به محمد (ص) گفته بودند: تو از ما می خواهی تو را به خدایی پرستیم همان طور که ترسایان مسیح را به خدایی گرفتند، منظور از کلمه، همان لا اله الا الله، که اشاره به توحید دارد، و لا شرک به شیئا اشارت به اخلاص، و لا یتخذ بعضنا بعضا اربابا من دون الله، هم تفسیر کلمه سواء است. یعنی هیچ کس از ما کسی را به خدایی نگیرد و خدای نخواند، نه اهل تورات عزیز را، و نه اهل انجیل عیسی را. نه کسی باطل را از مبطل بپذیرد (همان، ۱۳۷۱، ج ۲: ۱۴۹).

همچنین در قرن هفتم، صدرالدین محمد قونوی، تفسیر اعجازالبیان فی تفسیر القرآن را به زبان عربی تألیف نموده است که به بیان جوانب اعجازی و اسرار سوره فاتحه می پردازد. در قرن هفتم، پس از میبیدی، نوبت به تفسیر عرائس البیان فی حقائق القرآن، تألیف روزبهان ابی نصر بقلی میرسد که این تفسیر نیز به طریقه اهل تصوف و به زبان عربی است که نویسنده در ذیل آیه بیان میدارد: دین نزد خدا اسلام است، دین همان چیزی است که از بدعت ها، گمراهی ها و علاقه ها به آن برکت میبایی و در آن از ریا و میل پنهان، دیدن خلقت و حداکثر اطاعت در امان

هستی. وی ادامه می‌دهد که برخی گفتند: ارکان اسلام چهار ستون است: فروتنی، صمیمیت، مهار خشم و صبر، اگر این چهار مورد برآورده شود، چهار مورد دیگر از آن پیدا می‌شود: از فروتنی تا توکل، از آشنایی تا تسلیم، از مهار خشم، تفویض و صبر و رضایت (روزبهان، ۲۰۰۸، ج ۱: ۱۳۶).

وی در ذیل آیه ۶۴ آل عمران بیان می‌کند که آیه از ما توحید و نفی شرک را می‌خواهد. یعنی: ما از خواسته که از دنیا و خواسته‌های آن پیروی نکنیم و صفت ریا و شهرت را به چیزی غیر از حقیقت تبدیل نکنیم و اینکه بعضی از ما دیگران را غیر از خدا ارباب نمی‌گیریم، چراکه او از ستایش، تحسین، سخاوت، خدمت و رهبری که بعضی از ما از بعضی انتظار داریم خوشحال نمی‌شود (همان، ۲۰۰۸، ج ۱، ص ۱۵۵).

همچنین در قرن هفتم محمدبن علیابن عربی که تفسیر عرفانی ابن عربی (تأویلات عبدالرزاق) را تألیف نموده است. البته این تفسیر از ابن عربی نیست، بلکه از شاگرد مکتب او، عبدالرزاق کاشانی است که به تفسیر برخی از آیات منتخب پرداخته است نه همه آیات قرآن.

وی در ذیل آیه: «ان الدین عند الله الاسلام» معتقد است که آیه در اینجا، همان توحید است که اقراری کند. منظور از دین، دین اسلام، با تمام وجوهش است. همانگونه که ابراهیم (ع) فرمود: «أسلمت وجهی لله» و خداوند در آیه ۲۰ آل عمران به پیامبر (ص) فرمود: «فإن حَاجُوكَ فَقُلْ أُسَلِّمْتُ وَجْهِي لِلَّهِ وَمَنِ اتَّبَعَنِ» (ابن عربی، ۱۴۲۲، ج ۱: ۹۹).

اما پس از ابن عربی و در قرن هشتم نظام‌الدین حسن بن محمد نیشابوری، در تفسیر عربی و عرفانی خود با عنوان، غرائب القرآن و رغائب الفرقان دین را در آیه ۱۹ آل عمران را به معنای زبان پادشاه و اطاعت می‌داند، و بیان می‌کند که این دلیل دنیا نامگذاری شد که دلیل مجازات است و اسلام به زبان تسلیم، و ورود به صلح یا ایمنی می‌باشد (نیشابوری، ۱۴۱۶، ج ۲: ۱۲۹).

بعد از نیشابوری در قرن نهم نعمت الله بن محمود نخجوانی در تفسیر عرفانی خود الفواتح الالهیه والمفاتیح الغیبیه الموضحه الکلم القرآنیه والحکم الفرقانی، در ذیل آیه «وَمَنْ يَتَّبِعْ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ..» (آل عمران / ۸۵)، ضمن معرفی اسلام، به عنوان خانه خیر مردم که دین و شریعت واحد است، اعلام می‌کند که هر کس دینی غیر از آن را دنبال کند، از او پذیرفته نخواهد شد. زیرا دین شایسته حاضر شده برای همه ادیان منسوخ، به طور کلی اسلام است (نخجوانی، ۱۹۹۹م، ج ۱، ص ۱۷۷).

وی همچنین در ذیل آیه ۶۴ آل عمران، بیان می‌کند، خداوند در این آیه می‌فرماید: ای اهل کتاب که ادعای اعتقاد به وحدت حقیقت، و حقیقت کتاب‌ها و پیام‌رسانان آن را متعالی میدانید، ما و شما در یک کلمه حقیقت موافقیم که بین ما و شما یکسان و بدون اختلاف نظر است. و آن این است که ما فقط خدای حقی را که شایسته پرستش واقعی است، می‌پرستیم و در پرستش چیزی از

مخلوقاتش را با او شریک نیستیم و او نیز از مخلوقاتش چیزی نمیگیرد خدایی تنها است و کسی شریک او نیست (همان، ۱۹۹۹م، ج ۱: ۱۱۲).

اما پس از نجوانی صدرالمতالیهین محمدبن ابراهیم ملا صدرا در قرن یازدهم تفسیر عرفانی خود را که به ترتیب سوره‌های قرآن تنظیم و در یک جلد، به نام تفسیر ملا صدرا نوشته، را تألیف نموده است که، این رساله‌ها در هفت مجلد به نام‌های التفسیر الکبیر و تفسیر القرآن الکریم به چاپ رسیده است. تفسیر ملا صدرا، مجموعه‌ای است از تفسیر سوره‌های حمد، بقره تا آیه ۶۵، نور، سجده، یاسین، واقعه، حدید، جمعه، طارق، اعلی و زلزال به زبان عربی است، که وی این تفسیرها را به صورت رساله‌های پراکنده و در مدتی حدود بیست سال نوشت. وی درباره وحدت ادیان و آیه ۶۴ آل عمران که دعوت به اتحاد و همبستگی است، تفسیری نوشته است.

پس از ملا صدرا، بروسوی حقی در قرن دوازدهم، در تفسیر عرفانی خود روح البیان را تألیف نموده که این تفسیر، لغوی بیانی و صوفی است و از روش غزالی در اخلاق تأثیر گرفته، و مطالب زیادی نیز از «مفاتیح الغیب» فخر رازی بیان نموده و از اشعار شاعران نیز بسیار استفاده نموده است.

وی در ذیل آیه که بیان میکند هیچ دینی غیر از اسلام مورد قبول و رضایت خداوند نیست، معتقد است که منظور از اسلام یعنی توحید و تشریح شریعت و آن دینی است که از زمان آدم (ع) تا قیامت دین برگزیده خداست و غیر از دین اسلام، بقیه ادیان باطل هستند. بنابراین وی بیان میکند که همه پیامبران برای اجرای دین واحد اسلام مبعوث شده‌اند و هدف همه آن‌ها اجرای دستورات یک دین بوده است (بروسوی حقی، بیتا، ج ۲، ص ۱۳).

وی همچنین در ذیل آیه ۶۴ آل عمران که دعوت خداوند از اهل کتاب به سوی اتحاد میباشد، منظور از اهل کتاب را یهود و نصاری میداند که پیامبر (ص) بر ایمان آنان حریص بودند تا اینکه خداوند دستور داد تا از مجادله و احتجاج دست کشیده، به راهی که هر عقل سلیمی شهادت میدهد، قدم بگذارند که آن راه انصاف و ترک جدل است و پیامبران هیچ کدام در آن اختلاف نکردند، و آن توحید و نفی شرک است. بر خلاف یهود و نصارا که عزیر و مسیح را پرستش کردند (همان، بیتا، ج ۲: ۴۶).

در قرن سیزدهم ابن عجبیه احمدبن محمد، تفسیر البحر المدید فی تفسیر القرآن المجید را تألیف نموده است که شامل تفسیر سوره حمد تا سوره قمر به زبان عربی است.

ابن عجبیه ذیل آیه: «أَمَّا الرَّسُولُ بِمَا أُنزِلَ إِلَيْهِ مِنْ رَبِّهِ. وَ» (بقره: ۲۸۵)، که بیانگر وحدت انبیاء میباشد، میگوید: پیامبر (ص)، به آنچه توسط پروردگارش، با شهود و تحقیق ایمان به او نازل شد، ایمان آورد و مؤمنان نیز همگی طبق آنچه از دید شاهدان و شاهدان عینی برمیآید، به خدا ایمان آوردند، یا اینکه آن‌ها به وفاداری و برهان او ایمان آوردند. همچنین آنان از آنچه خدا امر

کرده، سرپیچی نمیکنند، و به آنچه که به آنان در کتب آسمانی امر شده، عمل میکنند از جمله امر و نهی، وعده‌ها، وعیدها، داستان‌ها و اخبار. آنان همچنین به تورات، انجیل و زبور نیز ایمان دارند. بین پیامبران و کتاب‌هایشان فرقی نمیگذارند (ابن عجبیه، ۱۴۱۹ق، ج ۱: ۳۱۸).

پس از بروسوی، تفسیر بیان السعاده فی مقامات العباده سلطان محمدگنابادی است که در قرن چهاردهم به زبان عربی تألیف شده است. این تفسیر، تنها تفسیر کامل قرآن عرفانی شیعه است که باقی مانده است. گنابادی در ذیل آیه «ان الدین عندالله الاسلام» بیان می‌دارد که منظور از دین در اینجا طریق به سوی آخرت و خداوند است و عندالله الاسلام یعنی اسلام تنها طریق به سوی خداوند و آخرت است. سایر ادیان حق نیستند و اهلکتاب یعنی یهود و نصاری هم اتفاق نظر داشتند که محمد(ص) و دین او حق است و این مطلب را قبل از ظهور اسلام میدانستند اما به خاطر حسادت اختلاف کردند (گنابادی، ۱۴۰۸، ج ۱: ۶۵).

وی در ذیل آیه ۶۴ آل عمران، در رابطه با دعوت خداوند به اتحاد بیان میدارد که منظور خداوند از دعوت در این آیه، یعنی از اختلاف و تفرقه به سوی اتحاد و اجتماع برگشتن است که در کلمه واحده که همان توحید و یگانگی خداوند در عبادت و خدایی و در اطاعت است که، بین همه ما یکسان است. یعنی در نسبت قبولیت این کلمه بین ما مسلمانان و شما اهل کتاب یکسان هستیم. وی بعد الا الله را منظور از اعتقاد یهود و نصاری در خدایی یا فرزند خدا دانستن عزیز و مسیح میداند و بیان میکند، که ما روش آن‌ها را برنمیگزینیم. بنابراین ایشان در ذیل آیه بیان میکنند که اتحاد و همستگی فقط در سایه ایمان به خدای واحد و نفی شرک برای اوست (همان، ۱۴۰۸، ج ۲: ۲۷۱).

حاج میرزا حسن اصفهانی متخلص به صفی و ملقب به صفیعلی که بی‌شک از بزرگترین عرفای قرن چهاردهم هجری بود در تفسیر منظوم قرآن کریم خود که تنها تفسیر منظوم شیعه است، ذیل آیه ۱۹ آل عمران مینویسد:

علم ظاهر در مقام خود نکوست	حکم ها در شرع چون راجع به اوست
علم باطن کیک گردانی مقام	اصل اسلام است و ایمان والسلام
لیک این دعوی کند هر جاهلی	تو بده تمییز اگر صاحب دلی
زین سخن بگذر که دور از نام تست	گفت دین در نزد حق اسلام توست
و آن بود تسلیم در توحید او	وین نه جز انکارش اند علم و عزم
آن بود در قول و فعلش عزم و جزم	(صفی علیشاه، ج ۱: ۱۰۳)

وی منظور از دین را همان اسلام و ایمان معرفی کرده، بیان میکند که اسلام هم توحید بر عمل و اخلاق است و در ذیل آیه ۶۴ آل عمران که خداوند در این آیه اتحاد و همستگی و تعامل اهل کتاب را میخواهد، بیان میدارد:

گو بیابید ای رسول مستطاب	مر شما کاهل کلامید و کتاب
سوی لفظی که آن مساوی بین ماست	لا اله الا الله اصل است و است
زانکه ما بر وحدت او شاهدیم	بی وسایط بر جنابش ساجدیم
این تعهد آن تواند کرد و بس	کز خدا غافل نباشد یک نفس
هم نبیند در تعیین جز وجود	گشته توحیدش منزله از حدود

(همان، ۱۳۷۸، ج: ۱، ۱۱۱)

در قرن پانزدهم سید محمد حسین حسینی همدانی، تفسیر عرفانی و فلسفی انوار درخشان را به زبان فارسی تألیف نموده است. وی آیه: «إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ»، مینویسد: «توراه و انجیل دارای احکامی به منظور اداء وظایف بوده، ولی هیچ یک از ادیان آسمانی به نام اسلام نامیده نشده است، بلکه اسلام و صفت مسلم «مسلمان» بر حسب منطبق قرآن از افتخاراتی است که ابراهیم خلیل برای اسلام در آیه: «رَبَّنَا وَاجْعَلْنَا مُسْلِمِينَ لَكَ وَ مِنْ ذُرِّيَّتِنَا أُمَّةً مُسْلِمَةً لَكَ» (قره: ۱۲۸) از پروردگار درخواست نموده، بار اِلهَا ما را از بندگان شایسته خود بدار، و برخی از فرزندان ما را نیز پیشوای جامعه اسلامی قرار بده» و یگانه دینی که در ادوار بشریت تا پایان جهان رابطه بشر را با آفریدگار تأمین مینماید، و اساس سعادت بشر در دو جهان معرفی شده، همانا مکتب اسلام و برنامه قرآن کریم، و تعلیمات رسول گرامی (ص)، و پس از ظهور دین اسلام سایر دینهای آسمانی به نام کفر معرفی شده است (حسینی همدانی، ۱۴۰۴، ج: ۳، ۳۵).

وی ذیل آیه ۲۸۵ سوره بقره: «لَا تُفَرِّقُ بَيْنَ أَحَدٍ مِنْ رُسُلِهِ»، می نویسد: «آیه بیان شعار ایمان است که از جمله ارکان آن تصدیق به همه پیامبران است. زیرا که آن‌ها پیشوایان طریقه توحید و پیوسته به یکدیگرند. درباره گسترش توحید و رهبری کاروان‌های خداپرستی تأثیر به‌سزائی دارند. از این رو، انکار بعضی از آن‌ها کفر و انحراف از طریقه توحید است. در برابر سایر ملل از قبیل یهود که شعار آنان تکذیب رسالت عیسی و رسول اکرم (ص) می باشد و یا مانند مسیحیان که شعار آنان تکذیب رسول اکرم است (همان، ۱۴۰۴، ج: ۲، ۳۸۸).

۷- یافته‌های تحقیق

در اکثر آیات قرآن مسئله اهلکتاب، و تعامل با آنان آمده است. اما سورههای زهراوین بیشتر به این موضوع تأکید دارد. قرآن ریشه و اساس همه ادیان را یکی معرفی می کند و تنها یک نام روی آن میگذارد، اسلام. همچنین اساس تمامی تلاش‌ها و مأموریت‌ها و رسالت‌های همه انبیاء الهی یکی بوده، همه دنبال یک هدف مشترک بودند یعنی اجرای کامل فرامین، دستورات و احکام دین اسلام. دینی که پیروان آن مسلمان نامیده میشود. خداوند متعال در قرآن کریم، در بیشتر آیات، تمامی اهلکتاب را دعوت به اتحاد و همبستگی در سایه ایمان به خدای یگانه، ایمان به تمام انبیاء الهی، ایمان به تمام کتب آسمانی، و نفی هرگونه شرک و تفرقه می کند. عرفا نیز که اعتقاد به وحدت ادیان

دارند، و معتقدند تمامی ادیان، در واقع تنها یک دین است، در تفاسیر عرفانی خود، بیشتر از سایر مفسرین، به بررسی این موضوع پرداخته‌اند. با توجه به اینکه دین یکی، خداوند یکی، هدف ارسال پیامبران یکی است و قرآن، انسان‌ها را امت واحده معرفی می‌کند (انبیاء: ۹۲)، پس تعامل تمامی اهل کتاب لازم و ضروری است. اما از آنجاکه برخی از اهل کتاب، در برابر دستورات دین واحد، سرپیچی کردند، خداوند متعامل، عدم تعامل با آنان را از مسلمین می‌خواهد.

۷- نتیجه گیری

تعامل با سایر ادیان خصوصاً، ادیان الهی از همان زمان پیامبر (ص) مطرح بوده، حتی در قرآن کریم نیز خداوند متعال تمامی صاحبان کتب آسمانی را به اتحاد و همبستگی در سایه ایمان به خدای واحد و نفی هر گونه شرک و تفرقه دعوت کرده است. از طرفی خداوند متعال در قرآن تنها از یک دین یاد می‌کند و آن اسلام است یعنی تمامی پیامبران الهی برای اجرای احکام این دین واحد مبعوث شده‌اند و با توجه به اینکه دین واحد است، لازم می‌باشد که اتحاد و همبستگی و تعامل بین اهل کتاب و مسلمانان برقرار باشد عرفاً نیز همچون سایر مفسرین به مسئله وحدت ادیان و تعامل با اهل کتاب تأکید دارند.

با توجه به داده‌های تحقیق، و با توجه به منابع تفسیری و علوم قرآنی، خصوصاً تفاسیر عرفانی، میتوان نتیجه گرفت که اساس همه ادیان یک دین است نه ادیان. و آن دین نیز اسلام یعنی تسلیم شدن می‌باشد. همچنین قرآن بیان می‌کند تمامی انبیاء الهی برای اجرای دستورات این دین واحد مبعوث شده‌اند. همچنین با توجه به آیات قرآن خداوند از تمامی اهل کتاب و مسلمانان دعوت به اتحاد و همبستگی در سایه ایمان به کلمه واحد لا اله الا الله، یعنی توحید، ایمان به تمامی پیامبران و کتب آسمانی، و نفی شرک می‌کند. بنابراین اصل در این مقدس اسلام که دین واحد همه پیامبران و انسان‌هاست، اتحاد و تعامل همبستگی تمامی اهل کتاب است و تفاسیر عرفانی نیز به خوبی این مطلب را بیان نموده‌اند که دین واحد، اتحاد و تعامل پیروان خود را می‌خواهد. اما با توجه به اینکه اهل کتاب در رابطه با دین واحد اسلام، عملکرد متفاوتی داشتند، نحوه تعامل با آنان نیز متفاوت است. بنابراین خداوند در قرآن کریم با توجه به عملکرد اهل کتاب، با برخی از آنان دستور تعامل و همبستگی را می‌دهد، با برخی به شرط پرداخت جزیه، و عدم اقدام علیه مسلمین، دستور تعامل و همبستگی می‌دهد. با برخی دیگر نه تنها عدم تعامل با آنان را فرمان می‌دهد، بلکه آنان را دشمن سرسخت مؤمنان معرفی کرده، دستور بیکار با آنان را می‌دهد.

منابع و مأخذ

قرآن کریم

- ۱- ابن ابی حاتم، عبدالرحمن بن محمد (۱۴۱۹ق)، تفسیرالقرآن العظیم، ریاض: مکتبه نزار مصطفی الباز.
- ۲- ابن سیده، علی بن اسماعیل (۱۴۱۲ق)، المحکم و المحيط الاعظم، بیروت: دارلکتب العلمیه، منشورات محمد علی بیضون.
- ۳- ابن عجبیه، احمد بن محمد (۱۴۱۹ق)، البحر المدید فی تفسیر القرآن المجید، قاهره.
- ۴- ابن عربی، محمد بن علی ۱۴۲۲، تفسیر ابن عربی (تاویلات عبدالرزاق)، بیروت: داراحیاء التراث العربی.
- ۵- اولیف، من مک (۱۳۹۰)، دائره المعارف قرآن، ترجمه حسین خندق آبادی، مسعود صادقی، مهرداد عباسی، امیر مازیار: تهران، انتشارات حکمت.
- ۶- بحرانی، هاشم بن سلیمان (۱۴۱۶ق)، البرهان فی تفسیرالقرآن، تهران: بنیاد بعثت.
- ۷- بروسوی حقی، اسماعیل (بیتا)، تفسیر روح البیان، بیروت: دارالفکر.
- ۸- بیضاوی، عبد الله بن عمر (۱۴۱۸ق)، أنوار التنزیل و أسرار التأویل، بیروت: انتشارات دار احیاء التراث العربی.
- ۹- تستری، ابو محمد سهل بن عبدالله (۱۴۲۳ق)، تفسیر التستری، بیروت: منشورات محمد علی بیضون / دارالکتب العلمیه.
- ۱۰- توفیقی، حسین (۱۳۸۷)، آشنایی با ادیان بزرگ، قم: موسسه طه.
- ۱۱- جزایری، ابوبکر جابر (۱۴۱۶ق)، ایسرالتفسیر لکلام العلی الکبیر، مدینه المنوره: مکتبه العلوم والحکم.
- ۱۲- حسینی شاه عبدالعظیمی، حسین بن احمد (۱۳۶۳)، تفسیر اثنا عشری، تهران: انتشارات میقات.
- ۱۳- حسینی همدانی، سید محمد (۱۴۰۴ق)، انوار درخشان، تهران: کتابفروشی لطفی.
- ۱۴- خادمی، نرجس (۱۳۸۸)، « تعامل با اهلکتاب از منظر قرآن و سنت»، تحقیقات علوم قرآن و حدیث، ش ۱۱، س ۶.
- ۱۵- روزبهان بقلی، روزبهان بن ابی نصر (۲۰۰۸م)، عرائس البیان فی حقائق القرآن، بیروت: دار الکتب العلمیه.
- ۱۶- سلمی، ابی عبدالرحمن بن محمد (۲۰۰۱م)، حقائق التفسیر، بیروت: انتشارات محمد علی بیضون، دارلکتب العلمیه.
- ۱۷- سیاح، حسین (۱۳۹۱)، « اسلام و وحدت ادیان»، فصلنامه پلکان، نشریات مدارس، شماره چهارم.

- ۱۸ - شبر، سید عبدالله (۱۴۰۷ق)، الجواهر الثمین فی تفسیر القرآن المبین، کویت: مکتبه الالفین.
- ۱۹ - صادقی، معصومه (۱۳۹۵)، « وحدت و کثرت ادیان با رویکرد عرفانی در مثنوی مولوی»، فصلنامه عرفان اسلامی، سال چهاردهم.
- ۲۰ - صدرا الدین شیرازی، محمد بن ابراهیم (۱۳۶۶)، تفسیر القرآن الکریم (صدرا)، قم: انتشارات بیدار.
- ۲۱ - صفی‌علیشاه، حسن بن محمد باقر (۱۳۷۸)، تفسیر صفیعلیشاه، تهران: انتشارات منوچهری.
- ۲۲ - طبری، ابو جعفر محمد بن جریر (۱۴۱۲ق)، جامع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت: دارالمعرفه.
- ۲۳ - فیض کاشانی، ملا محسن (۱۴۱۵ق)، تفسیر الصافی، تهران: انتشارات صدر.
- ۲۴ - قشیری، عبدالکریم بن هوازن (بیتا)، لطائف الاشارات، مصر: الهیئه المصریه العامه للکتاب.
- ۲۵ - قمی مشهدی، محمد بن محمد رضا (۱۳۶۸ق)، تفسیر کنزالدقائق و بحر الغرائب، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت ارشاد اسلامی.
- ۲۶ - گواهی، عبدالرحیم (۱۳۷۹)، «درآمدی بر تاریخ ادیان در قرآن»، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- ۲۷ - گنابادی، سلطان محمد (۱۴۰۸ق)، تفسیر بیان السعاده فی مقامات العباده، بیروت: موسسه الاعلمی للمطبوعات.
- ۲۸ - محلی جلال الدین و جلال الدین سیوطی (۱۴۱۶ق)، تفسیر الجلالین، بیروت: مؤسسه النور للمطبوعات.
- ۲۹ - مغنیه، محمد جواد (بیتا)، ترجمه تفسیر کاشف، قم: مؤسسه بوستان کتاب.
- ۳۰ - مصطفوی، حسن (۱۳۹۷ق)، التحقیق فی کلمات القرآن، تهران: مرکز نشر آثار علامه مصطفوی.
- ۳۱ - میبدی، احمد بن محمد (۱۳۷۱)، کشف الاسرار و عده الابرار، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- ۳۲ - نخجوانی، نعمت الله بن محمود (۱۹۹۹م)، الفواتح الالهیه و المفاتیح الغیبیه، مصر: رکابی للنشر.
- ۳۳ - نیشابوری، نظام الدین حسن بن محمد (۱۴۱۶ق)، تفسیر غرائب القرآن و رغائب الفرقان، بیروت: دار لکتب العلمیه.

Received: 2022/12/26
Accepted: 2023/3/5
Vol.21/No.81/Autumn2024

scientific quarterly journal of Islamic mysticism
(Erfan.eslami.zanjan@gmail.com)
<https://sanad.iau.ir/journal/mysticism>

Study and Analysis of Interaction between Ahl al-Kitab in Surahs of Zahra^{vin}, based on the Unity of Religions from the Perspective of Mystical Interpretations

Zahra Aghababaei¹, Hossein Moradi Zanjani^{2}, Mohammad Hossein Saeini³, Farhad Edrisi⁴*

PhD Student, Quran and Hadith Sciences, Zanjan Branch, Islamic Azad University, Zanjan, Iran

Assistant Professor, Department of Quran and Hadith Sciences, Zanjan Branch, Islamic Azad University, Zanjan, Iran. *Corresponding Author, hmoradiz@yahoo.com

Assistant Professor, Department of Quran and Hadith Sciences, Zanjan Branch, Islamic Azad University, Zanjan, Iran

Associate Professor, Department of Quran and Hadith Sciences, Zanjan Branch, Islamic Azad University, Zanjan, Iran.

Abstract

The issue of interaction between Ahl al-Kitab in the Holy Quran, especially the Surahs of Zahra^{vin}, which is more concerned with this issue than other Surahs, is considered due to the unity of religions, which indicates that God's chosen religion was one from Adam to Khatam. He has been a commentator and researcher, especially mystical commentators. The present study tries to collect information and data from the first hand of the opinions of mystical commentators based on descriptive and analytical methods, in relation to the interaction of Ahl al-Kitab in Zahra^{vin}, considering the unity of religions from the perspective of mystical interpretations. This research will conclude by processing and analyzing the verses related to interaction with Ahl al-Kitab in these surahs, and mystical interpretations, showing that at first: religion is one with God and all divine messengers have been sent to practice the same religion. Second: Due to the unity of religions, mystics in their interpretations agree to interact with the People of the Book and not to be divided. Third: What God wants from Muslims and Ahl al-Kitab is peaceful interaction and coexistence, in the shadow of faith in the one God, all the divine messengers, and the divine books, and the denial of any polytheism and division.

Keywords: Ahl al-Kitab, Zahra^{vin}, Unity of Religions, Mystical Interpretations.